

## نگاهی بر نمادهای حیوانی در ادبیات فارسی

دکتر نصرالله شاملی\*

حسن علی یاری\*\*

ساجد زارع نجف آبادی\*\*\*

### چکیده

در یک نگاه گذرا به تاریخچه زندگی بشر به جایگاه شگفت انگیز و تأثیرگذار نماد و حیوان پی خواهیم برد. آدمی از حیوانات به خاطر دارا بودن برخی از ویژگی های انسانی و رفتارهای بشری به عنوان نماد استفاده می کند. بعضی از پژوهشگران نمادها را از لحاظ جنسیت به دسته هایی چون جانوری، گیاهی و... تقسیم بندی کرده اند. در این بین نمادهای حیوانی به سبب گستردگی و تأثیرگذاری در زندگی بشر جایگاه ویژه ای را در ادبیات فارسی به خود اختصاص داده اند. این نمادها برای اهدافی چون تحقیر، تشویق، عینی کردن مفاهیم انتزاعی و... به کار گرفته می شوند. نمادهای حیوانی را می توان به دو دسته ی عمومی و خصوصی تقسیم بندی کرد. نمادهای خصوصی حیوانی بر مبنای تجارب، روحیه و نگرش های فردی اشخاص وابسته اند، اما نمادهای عمومی حیوانی که مورد پذیرش جمع کثیری از آحاد یک جامعه قرار می گیرند بر مبنای عوامل اجتماعی پی ریزی شده اند. اعتقادات دینی، باورهای ملی و وقوع رویدادهای واقعی در یک جامعه از موارد مؤثر بر نمادهای عمومی حیوانی به شمار می آیند. مهمترین عامل تأثیرگذار بر نمادهای عمومی حیوانی، ویژگی های یک حیوان می باشد. شایان ذکر است سرزمین ما ایران، محل تلاقی اندیشه ها و فرهنگ های گوناگون بوده که سبب غنای ادبیات فارسی شده است. از جمله آن ها می توان به اندیشه های زرتشت، دین اسلام و تفکرات غربی اشاره کرد. موارد ذکر شده پیوندی عمیق و غیرقابل انکار با نمادهای حیوانی دارند. نویسندگان در این جستار، نخست در پی توضیح نکاتی چند در باب نماد و جایگاه نمادهای حیوانی در ادبیات فارسی بر آمده اند، سپس سعی بر آن بوده تا گزیده ای از نمادهای حیوانی ریشه یابی شده و همراه با شاهد مثال ذکر گردد.

---

\* دانشیار دانشگاه اصفهان

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه حکیم سبزواری

\*\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان

## ۱. درآمد

حیوانات از گذشته های بسیار دور تاکنون، در زندگی انسان نقشی بسزا و جایگاهی بی بدیل داشته اند. آن ها بسیاری از صفات اخلاقی و ویژگی های انسانی چون ذکاوت، شجاعت، حمایت، حماقت، محبت، کینه توزی و... را با خود به همراه دارند. این مسأله جان مایه ای برای گزینش حیوانات به عنوان نماد شده است. آدمیان از روزگار گذشته تا به امروز در پی راهی بوده اند آسان تا بتوانند مفاهیم انتزاعی و خصلت های اخلاقی را در قالبی عینی و آشکار به منصفه ظهور بگذارند. انتخاب نماد این آرزوی دیرینه بشر را جامه عمل پوشانیده است.

از آنجا که حیوانات در بردارنده ی بسیاری از صفات اخلاقی و رفتاری می باشند قابلیت انتخاب به عنوان نماد را از سوی انسان ها داشته اند.

شایان ذکر است حیوانات نقش آموزگاری را در زندگی انسان ها ایفا کرده اند. آنگاه که قابیل برادر خود هابیل را کشت، (خداوند کلاغی را واداشت تا زمین را بکاود تا به او بیاموزد که چگونه جسد برادر خود را پنهان بسازد. گفت وای برمن ،نتوانم همانند این کلاغ باشم و پیکر برادر را دفن کنم). (مائده، ۳۱) و این نمونه ای بارز از تأثیر رفتار حیوانات براندیشه و کردار انسان است.

امروزه نیز بسیاری از رفتارهای حیوانات در حیطه صنعت و تکنولوژی شبیه سازی می شوند. با اطمینان راسخ می توان گفت، اگر پرندگان در آسمان به پرواز در نمی آمدند، انسان نیز آرزوی پرواز را در سر نمی پروراند. این آرزوی پرواز بود تا انسان را واداشت در پی ساخت و ساز هواپیما برآید.

از دیگر آموزه های حیوانات می توان به آموزش مومیایی کردن از زنبور عسل، دام نهادن از عنکبوت، ذخیره سازی آذوقه از مورچه و کمین کردن شیر برای شکار کردن اشاره کرد. پس شگفت نیست اگر حیوانات را نمایانگر ویژگی ها و صفات انسانی بدانیم و به عنوان نماد برگزینیم.

از این رو می بینیم که در ادبیات و فرهنگ کشورهای مختلف به جایگاه حیوانات، نمادهای حیوانی و مفاهیمی که هر کدام از این نمادها القا می کند عنایت بسیاری شده است.

## ۲. مفاهیم نظری

### ۲-۱. تعریف نماد

فارسی زبانان سمبل (symbol) را در فارسی به نماد، نشانه و نماینده ترجمه کرده اند. هر چند در زبان عامه جدای از واژه هایی چون نماد و نشانه، اصل فرهنگی آن هم به کارگرفته می شود. به هر حال سمبل از ریشه مصدر یونانی (symbollein) به معنای «به هم پیوستن» گرفته شده است. (ناظرزاده، ۱۳۶۷: ج ۱، ۳). نماد نشانه ای است که با استفاده از عناصر عینی طبیعت چیزی غایب و نامحسوس را مجسم می کند. مثلا کوه نمادی از پایداری و استواری، دریا مظهري از عظمت و بخشندگی و چشمه نمادی از پاکی و زاینده گی می باشد.

نماد در حوزه های گوناگون دانش بشری نقشی بنیادین ایفا کرده است و تمامی زمینه های علوم باطنی و معنوی را در برمی گیرد. این نوع حرف زدن نامرئی که در قلمرو هرمنوتیک واقع می شود تاریخچه بسیار طولانی در زندگی بشری دارد. پژوهشگران در عصر جدید، آن را از ابعاد گوناگون مورد تفحص قرار داده و جامعه شناسان و روان شناسان بزرگی چون فروید و کارل گوستاو یونگ تحقیقات گسترده ای در این باب به انجام رسانده اند.

برخی از علمای بلاغت نیز نماد را در زمره ی آرایه های بیانی به قلم آورده اند. چنانکه شمیسا در کتاب بیان خود می گوید: «سمبل (symbol) را در فارسی مظهر رمز و نماد می گویند. سمبل نیز مانند استعاره ذکر مشبه به است و اراده ی مشبه» (شمیسا، ص ۲۱۱)

### ۲-۲. تفاوت نماد با تمثیل، علامت و استعاره

ضرورت این بحث از آنجاست که برخی از روی تسامح یا به اشتباه این واژه ها را به جای یکدیگر بر می گزینند. در این قسمت سعی شده است به اختصار تفاوت نماد با هر یک از آن ها مورد بررسی قرار گیرد.

### الف. تفاوت نماد با تمثیل

تمثیل حکایت و روایتی است که جدای از معنای ظاهری یک معنای درونی و مفهومی را نیز در خود جای داده است. قرآن از این شیوه بیانی بسیار سود جسته است. مثلا (مَثَل کسانى که تورات به آنها داده شد و بدان عمل نمی کنند مَثَل آن خر است که کتابهایی را حمل می کند). (جمعه ، ۱۵)

برجسته ترین تفاوت نماد با تمثیل در آن است که تمثیل در کل یک اثر مثل کلیله و دمنه و منطق الطیر می باشد و نماد در مفردات. به زبانی آسان تر نماد جزئی از تمثیل است. داستان شیر و خرگوش در باب شیر و گاو و کلیله و دمنه بیانی تمثیلی است. اما در بطن این تمثیل، شیر نمادی از شجاعت و پادشاهی و خرگوش مظهر زیرکی می باشد. در واقع نماد ابزاری برای بیان تمثیلی است.

### **ب. تفاوت نماد با علامت**

نماد اساسا با علامت فرق می کند. علامت یک قرارداد اختیاری است، که دال و مدلول نسبت به هم بیگانه اند، در حالی که نماد از همگونی دال و مدلول پیش انگاشته ای دارد، و آن را مبنای یک پویایی سازمان دهنده قرار می دهد. (شوالیه، ج ۱، ص ۲۶). مثلا چراغ قرمز علامتی است برای توقف، اما پیش از آنکه اجماع این ارتباط را توافقا نپذیرفته بودند رابطه و پیوندی بین این دو نبود. علامت ها توافقا و بدون هیچ پیش زمینه ای انتخاب می شوند. اما نماد اینگونه نیست برای مثال هدهد در ادب فارسی با پیش زمینه و پیش انگاشته داستان سلیمان و ملکه بلقیس به عنوان نماد و مظهر پیغام رسانی انتخاب شده است.

### **ج. تفاوت نماد با استعاره**

بیش از هرچیز فرق میان استعاره و نماد در تکرار و تداوم سمبل است. هر تصویری ممکن است یک بار بصورت استعاره به ذهن برسد اما اگر هم از نظر ظاهری و هم از نظر ارزش نموداری همیشه تکرار شد به سمبل تبدیل می شود. در استعاره از آنجا که کلام ما مخیل است، غیر حقیقی است، ولی نماد می باید علاوه بر جنبه خیالی که بطور سمبلیک مظهر چیزی واقع می شود در عالم واقع نیز امکان هست شدن داشته باشد. برای مثال سگ نماد نجاست و وفاداری است و در واقعیت نیز این دو ویژگی در او وجود دارد.

### **۲-۳. گونه های نماد**

پژوهندگان نماد با توجه به حیطة فکری و نظری خویش نماد را از ابعاد و جنبه های گوناگون مورد تحقیق و بررسی قرار داده اند. گفتنی است این تفاوت نظری سبب شده تا دسته بندهای متفاوتی از نماد ارائه گردد. برخی از محققان نماد را از بعد (کاربردی) مورد توجه قرار داده اند. در این نوع تقسیم بندی نمادها به دو دسته ی عمومی و شخصی تقسیم می گردند. نمادهای عمومی مبتذل هستند و به سبب تکرار، دلالت آنها بر یکی دو مشبه صریح و روشن است. (شمیسا، ص ۲۱۲). اینگونه از نمادها در

نوشته بسیاری از نویسندگان به چشم می خورد. مثلا بلبل در شعر و نوشته اکثر شعرا و نویسندگان مظهری از عشق و عاشقی می باشد، اما نمادهای خصوصی حاصل وضع و ابتکار شاعران و نویسندگان بزرگ است، و معمولا در ادبیات قبل از آن مسبوق به سابقه نیست و از این رو برای خوانندگان تازه و دشواری دارد. (همان، ص ۲۱۳).

هر نویسنده نمادهای شخصی خود را داراست که تجربه و حالات درونی نویسنده تاثیر بسزایی در آن دارد. در ادبیات غرب، نمادهای مالارمه و کافکا و در ادبیات فارسی بوف کور هدایت از این قبیل نمادها می باشند.

نمادها از منظر وجودی به دو گروه واقعی و غیر واقعی تقسیم می شوند. نمادهای واقعی آن دسته از نمادها هستند که با چشم دیده می شوند و اغلب نمادهایی که گزینش می شود مربوط به نمادهای واقعی است. این مسأله ناشی از آن است که به کار گیرندگان نماد در پی آنند تا مفهوم انتزاعی راملموس و محسوس جلوه دهند. نمادهای واقعی این قابلیت عینی بودن را دارا می باشند. نمادهای غیر واقعی در عالم واقعیت وجود خارجی نداشته و بر ساخته ذهن و تخیل بشری می باشند. ریشه نمادهای غیر واقعی را می توان در اسطوره های اقوام و ملل مختلف پیدا کرد. اسطوره هایی که انسان های پیشین نسبت به آن اعتقادی راسخ داشته و همراه با آن ها زندگی می کرده اند و با گذشت زمان آدمیان به اینگونه نمادها با دید وهمی و تخیلی بودن نگریسته اند.

از نمونه های بارز این نوع نمادها می توان به سیمرغ، ققنوس، اژدها، غول، دیو و.. اشاره کرد.

گروهی دیگر از پژوهندگان نمادها را از منظر جنسیت دسته بندی کرده اند که نمادهای حیوانی نیز در این دسته بندی می گنجد.

الف) گیاهان (سرو نماد جاودانگی، سپیدار نماد بی چیزی، لاله نماد شهید)

ب) اجرام آسمانی (مریخ نماد سلحشوری، ناهید نماد مطربی، کیوان نماد نحوست)

پ) اشیا (آینه نماد صداقت)

ت) جانوران (گرگ نماد درندگی، شیر نماد شجاعت، خر نماد حماقت)

ث) پدیده های طبیعی (کوه نماد استواری، چشمه نماد پاکی، خاک نماد فروتنی)

## ۳. رابطه انسان و حیوان

### ۳-۱. جایگاه حیوان در زندگی انسان

زندگی آدمیان با حیوانات گره خوردگی شگفت و عمیقی داشته است. تاریخچه این گره خوردگی را می توان در داستان های دینی و اسطوره های ملی مشاهده کرد. داستان دخول ابلیس در بهشت با همراهی طاووس و مار گوشه ای از تاریخچه این ارتباطات می باشد. هر چند با انقلاب صنعتی و ورود تکنولوژی این حلقه های ارتباطی کم رنگ شده است و دیگر خبری از ماجراهای تکرار نشدنی که در سویی از آن حیوانات قرار دارند نیست. اگر اسطوره های ملی را کنکاش کنیم اسطوره های حیوانی زیادی به چشم می خورد، هما اسطوره خوشبختی و سعادت ایرانیان نمونه ای از آن ها می باشد. در اهمیت حیوانات در میان ایرانیان همین بس که در دوره های زمانی متفاوت بر درفش خود تصویر حیواناتی چون عقاب، اژدها و شیر را رسم کرده بودند.

ماجراهای فراموش نشدنی انسان و حیوان در ادیان الهی و غیر الهی نیز به چشم می خورد. در این بین اهمیت حیوان در دین اسلام قابل توجه است. آیا جز این است که پنج سوره از سور کتاب الهی مسلمین (بقره، فیل، عنکبوت، نحل و نمل) به نام حیوانات نام گذاری شده است؟ اگر سوره انعام را به آن بیفزایم تعداد آن به شش می رسد. در بسیاری از داستان های قرآنی رد پای حیوانات نیز مشاهده می شود، برای نمونه:

(و یونس از پیامبران بود. چون به آن کشتی پر از مردم گریخت، قرعه زدند و او در قرعه مغلوب شد. ماهی بلعیدش و او در خور سرزنش بود. (صافات، ۱۳۹-۱۴۲). داستان شتر صالح، خر عزیر، پرندگان ابراهیم، گاو بنی اسرائیل و اژدهای موسی نیز حکایت از این مسأله دارند.

### ۳-۲. دلایل گزینش نمادهای حیوانی

#### الف. ملموس کردن مفاهیم انتزاعی:

پیچیدگی مفاهیم انتزاعی سبب شده تا همواره بیان آن با چالشهای خاصی روبه رو گردد. با توجه به چنین شرایطی نمادها و به خصوص نمادهای حیوانی این قابلیت را برای بشر فراهم آورده اند تا مفاهیم ذهنی را به گونه ای ملموس و محسوس نمایش دهد. این مسأله سبب شده تا عارفان طریقت

برای ملموس کردن مفاهیم و مسائل پیچیده عرفانی از نماد بهره گیرند. مثلاً مباحث مربوط به روح و بازگشت آن به عالم الهی در حوزه مفاهیم غیر عینی قرار می گیرد. عرفا برای رفع این مشکل از یک نماد حیوانی سود جسته اند. طوطی در زبان عرفانی مظهر روح آدمی است. این مسأله از آنجا سرچشمه می گیرد که ایرانیان طوطی را به عنوان پرنده ای هندی می شناسند که به خاطر دوری از وطن ناله سر می دهد، از سوی دیگر روح از عالم الهی وارد عالم جسمانی شده و در پی آن است که دوباره به عالم آغازین پرواز کند.

### **ب. ترس از بیان آشکار:**

هیچگاه در یک زمان و مکان، همه اندیشه ها با هم یکسانی ندارند. گاهی ناهمگونی اندیشه ها، افراد را به ستیز با یک دیگر واداشته است. گروهی که از عامل زور بهره بیشتری دارد اجازه ابراز اندیشه را به گروه مقابل نخواهد داد. نمونه بارز این مسأله در جامعه ای که از خفقان شدید سیاسی رنج می برد مشاهده می شود. هنگامی که حاکمان گرگ صفت بر سفره های رنگین می نشینند و حق رعیت را پایمال می کنند، با هجوم روشنفکران و انسان دوستان جامعه روبه رو می گردند. اما از آن جا که حبّ جاه و مقام در وجود حکام ریشه دوانیده زبان انتقادین این گروه را با تبعید، اسارت و اعدام جواب می دهند. بنابراین گاهی اوقات اشخاص به ناچار از زبان نمادین بهره می گیرند، مثلاً گرگ را که مظهري از جور و ستم می باشد، به جای حاکمان و ستمگران بیدادگر بر می گزینند.

ج. تحقیر:

تفاوت نگرش و بینش اشخاص جامعه سبب می شود تا برای سرکوبی یک دیگر از شیوه تحقیر و سرزنش بهره گیرند. نمادهای حیوانی آن ها را در این راه کمک شایانی می کند. حیوانات موجوداتی فاقد شعور و خرد اند و این در حالی است که ارزش آدمیان به خرد آنهاست. افراد یک جامعه از نمادهای حیوانی محبوب یا منفور برای تمجید یا تحقیر شخص مورد نظر استفاده می کنند. مثلاً آنگاه که به دنبال وصف شجاعت کسی هستند او را به شیر که نماد شجاعت و قدرت است تشبیه می کنند، و یا چنانچه در پی دشنام و پست شمردن شخص بر می آیند از واژه سگ که مظهر نجاست و پستی است بهره می گیرند.

د. تشویق:

اساساً نمادها بر ژرفای وجود می نشینند و احساس را برانگیخته می کنند. آنگاه که احساس شعله ور گردد، همت و اراده نیز پولادین می شود. نماد در جامعه به مانند یک محرک اجتماعی قلمداد می شود. معلمین، شعرا، نویسندگان، والدین و... برای تشویق و تحریک شخص از عنصر نمادهای حیوانی بهره می

گیرند. نمادهای حیوانی مثبت در یک جامعه نقش بسزایی در تحرک و انگیزش افراد ایفا می کنند. آنگاه که در میدان های پهلوانی، قهرمان را شیر می خوانیم شهامت و قدرتش را دو چندان کرده ایم.

### ۳-۳. مبانی نمادهای حیوانی

در مفهوم نماد از سویی فرهنگ و تاریخ بومی هنرمند و از سویی دیگر حالات شخصی وی دخالت دارد از این جهت است که نماد ممکن است عمومی یا خصوصی، جهانی یا بومی باشد ولی در هر صورت به خاطر همین مبانی تشکیل دهنده مفهوم نماد، درک آن برای همگان خیلی ساده نیست. (ثروت، ص ۱۶۳)

نمادهای شخصی بر مبنای تجربیات زندگی، روحیات فردی و خصوصیت های اخلاقی پایه گذاری شده اند. آشنایی با این نمادها در گرو شناخت درون و روحیات هنرمند است. روان شناسان از اینگونه نمادها برای شناخت روان شخص استفاده می کنند. اما در نمادهای عمومی عوامل اجتماعی تأثیر گذاری باشد که عبارتند از:

الف. باورهای دینی:

ادیان در کردار، عقیده و روان افراد تأثیر گذار می باشند، از این جهت تأثیر بسزایی بر نگرش و جهان بینی افراد دارند. از آنجا که تأثیر نگرش افراد بر نمادها غیر قابل انکار است، اهمیت ادیان بر نمادهای حیوانی نیز مشخص می شود. مثلاً در نزد ایرانیان خوک حیوانی مقدسی بوده است به گونه ای که این واژه هم ریشه "خوب" معرفی شده است. این مسأله سبب شده تا ایرانیان باستان نسبت به این حیوان نگرشی مثبت داشته باشند. اما با ظهور اسلام و پذیرش آن از جانب مردم ایران زمین، این جریان دگرگون می شود. این مسأله باعث شده تا خوک در نزد ایرانیان به عنوان یک حیوان پلید و پست شناخته گردد.

### ب. باورهای ملی و اسطوره ای:

یکی از عوامل نگرش مثبت نسبت به یک حیوان، نیازمندی مردم به آن حیوان است. از همین باب است که اسب برای ایرانیان و شتر برای عرب ها اهمیت و ارزش بسزایی دارند. نگرش های اسطوره ای و ملی نسبت به حیوانات تأثیری عمیق در گزینش نمادهای حیوانی دارد.



## ج. ویژگی های منحصر به فرد حیوان:

اساسی ترین و مهم ترین مبنای جهت دهنده نمادهای حیوانی خصوصیات آنها می باشد. همان گونه که در مباحث قبلی ذکر گردید، حیوانات برخی از ویژگی ها و رفتارهای انسانی را در خود جای داده اند، به نحوی که برخی از آن ها به عنوان نمونه بر جسته ای از این ویژگی ها شناخته شده اند. این نکته سبب شده تا از آن ها به عنوان نماد رفتارهای انسانی یاد شود. شکیبایی شتر در صحراهای بی آب و علف سبب شده تا این حیوان به عنوان مظهر شکیبایی معرفی شود.

## د. رویدادهای واقعی:

برخی از نماد های حیوانی بر پایه رویدادی مهم انتخاب می شود. داستان سلیمان و بلقیس که در قرآن نیز به آن اشاره شده نقش والایی در گزینش هدهد به عنوان مظهر پیغام رسانی داشته است.

## ۳-۴. آبشخورهای نمادهای حیوانی در ادبیات فارسی

### الف. دین زرتشت:

دین زرتشت به عنوان دین رسمی ایران قبل از اسلام در همه جوانب زندگی ایرانیان تأثیر گذار بوده است. بدیهی است که این دین الهی هم نگرش خاصی نسبت به حیوانات ارائه داده باشد. خرفستران نمونه ای از این نگرش ها می باشند. خرفستر، حشرات یا جانوران موزی و درنده را گویند که در اعتقادات ایرانیان زیان آور و مخلوق اهریمن هستند. خرفستران معروف در اوستا عبارتند از: مار، مور، مگس، سنگ پشت، شپش، وزغ، خبزدو، ساس و... (یاحقی، ص ۳۲۳)

این نگرش باعث شده تا مولانا جلال الدین بلخی با استفاده از "ناخود آگاه جمعی" تصاویر ادبی بر ساخته از "غم" را بیافریند. این ادعا از آن روست که در بررسی این تصاویر، مولانا اغلب از حیواناتی بهره جسته است که در ایران باستان از زمره "خرفستران" و "گرگ سدگان" اند و موجب تباهی می شوند. شعور ناخودآگاه مولانا در استخدام این حیوانات، نقش مهمی ایفا کرده است.

### ب. دین اسلام:

ادبیات فارسی به شدت تحت تأثیر دین اسلام واقع شده است به طوری که می توان گفت، جزء لاینفک ادبیات فارسی عنصر اسلام گرایی آن است. دین اسلام نیز همچون ادیان دیگر احکامی خاص نسبت به جانوران ارائه داده است. در این دین الهی دو حیوان خوک و سگ نجس به شمار می روند. اما

همین دو حیوان در ایران باستان جایگاه مقدسی داشته اند تاجایی که در ایران باستان، سگ به عنوان جانوری فداکار و وفاشناس که موجب آسایش مردمان است، از احترام و تقدسی ویژه برخوردار است. اما در ادبیات فارسی با تأثیر از اندیشه های اسلامی سگ غالباً به عنوان حیوان نجس و پست تا آنجا مطرح است که اشعار و امثال و حکم فراوانی در این مورد پدیدار گشته است. (همان، ص ۴۶۹-۴۷۰)

### ج. فرهنگ غرب:

در دو سده اخیر، زنجیره های ارتباطی فرهنگ ها محکم تر شده و تأثیرگذاری آن ها در یک دیگر بیش از پیش بوده است. در این بین جایگاه غرب به عنوان یک قدرت صنعتی، اقتصادی و... منحصر به فرد می باشد. کشورهای جهان سوم به ندرت توان مقابله فرهنگی با این غول اقتصادی را در خود داشته اند. برخی نویسندگان، روشنفکران و شاعران اصلاح طلب، تحت تأثیر این گرایش از نماد های غربی در نوشته ها و سروده های خود بهره گرفته اند.

برای مثال کبوتر پیش از انقلاب مشروطه در فرهنگ پارسیان مظهر پیغام رسانی بوده است. اما در فرهنگ و ادب نوین کبوتر به سبب آرامی و بی آزاری اش نماد صلح و آشتی به شمار می رود. گویا اولین کاربرد این معنی در شعر فارسی از ملک الشعرا بهار است. (شریفی، ص ۱۱۵۲)

معرفی همه نمادهای حیوانی در این مختصر نمی گنجد، پس بر آن شدیم تا گزیدههایی از این نمادها را همراه با شاهد مثال ذکر کنیم.

### آهو

چشمان سیاه و درشت آهو سبب شده تا در ادبیات فارسی، مظهري از زیبارویان (به خصوص سیه چشمان زیبارو) معرفی گردد. یکی دیگر از ویژگی های این حیوان رمندگی و فراری بودن است، به همین دلیل آهو نماد انسان های ترسو و گوشه گیر نیز به شمار می آید.

صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را      که سربه کوه و بیابان تو داده ای ما را

(حافظ، ۱۳۸۸: ۶)

گناه چشم سیاه تو بود و گردن دلخواه      که من چو آهو ی وحشی ز آدمی برمیدم

(همان، ۴۳۶)

## اژدها

اژدها موجودی افسانه‌ای و اساطیری است که به شکل سوسماری عظیم، با دو پر که آتش از دهان می‌افکند و نگهبان گنجهای زیر زمین است شناخته می‌شود. (یاحقی، ص ۱۰۸)

اینچنین مخلوق پیچیده‌ای از کهن‌ترین دوران در اساطیر و افسانه‌های بیشتر اقوام و ملت‌ها دیده می‌شود. در ادبیات فارسی، مظهری از شرارت و ستیز کاری به شمار آمده است. بدیهی است اژدها در زمره نمادهای غیر واقعی قرار می‌گیرد و بر مبنای ملی استوار است.

## اسب

یکی از محبوبترین حیوانات، در بین ایرانیان اسب است. این محبوبیت ناشی از روایت‌های اساطیری و نیازمندی ایرانیان به این حیوان توانا است. وجود کتاب‌هایی چون فرسنامه و گزینش نامهای متعدد برای این حیوان دال بر اهمیت آن می‌باشد. به هر حال این حیوان به نجیب‌ترین حیوانات مشهور ومظهري از فراست، چالاکي، زیبایی و دلیری است. (شریفی، ص ۱۳۳)

از سوی دیگر در روایت‌های اسلامی نیز شواهدی مبنی بر وفادارای این حیوان نجیب به انسان وجود دارد که جاری شدن اشک از چشم اسب امام حسین (ع) پس از اینکه حضرت بر زمین افتادند و به شهادت رسیدند، از جمله این روایات است.

## باز

باز در ادبیات فارسی نشانی است از انسان‌هایی که در جامعه دارای پایگاه و منزلت اجتماعی والایی می‌باشند. این نشان، برخاسته از آن است که پادشاهان در درگاه خود باز تربیت می‌کرده‌اند و پس از تربیت، آن را بر روی ساعد خود می‌نشانده‌اند.

چه گویمت که به میخانه دوش مست و خراب  
سروش عالم غییم چه مزده‌ها داد است

که ای بلند نظر شاهباز سدره نشین  
نشیمن تو نه این کنج محنت آباد است

(حافظ، ص ۵۴)

## بلبل

بلبل از شیفتگان ادبیات فارسی است. شوق و شغف این پرنده نسبت به بوستان و گل سبب شده تا از آن به عنوان مظهر عاشقی و دلداری یاد شود. گفتنی است هر آنگاه بلبل در برابر مور به کار گرفته شود، مور نماد عقل و بلبل نماد عشق محسوب می‌شود.

فکر بلبل همه آنست که گل شد یارش  
گل در اندیشه که چون عشوه کند در کارش  
(حافظ، ص ۳۷۵)

بلبل از فیض گل آموخت سخن ورنه نبود  
این همه قول و غزل تعبیه در منقارش  
(همان، ص ۳۷۵)

## بوتیمار

همانگونه که از نام این پرنده (پدر اندوه) بر می آید نمادی است از انسان های دردمند و غمگین. این نکته ناشی از آن است که مدام این پرنده سر به گریبان فرو برده و حالت انسان های غمگین را نمایان می کند. شریفی در فرهنگ خود مظاهر دیگری از این حیوان ذکر کرده که عبارتند از: (سالکان زاویه نشین و اهل قبض و تفکر و گاه مَثَل اصلی از عشق راستین و نادر تا مردم خسیس طبع و فرومایه و آزمند و گرسنه چشم). (ص ۳۰۸)

تو همچون گل زخندیدن لبِت باهم نمی آید  
رواداری که من بلبل چو بوتیمار بنشینم  
(سعدی، غزلیات، ص ۶۲۴)

## پروانه

پروانه پر بر شعله زرین شمع می نهد و جان را فدای معشوق کرده و فنا می شود. ادبا پروانه را نماد عاشقان بی باک و جان بر کف نهاده و ناکام می دانستند. حال آنکه در ادبیات عربی از زاویه ای دیگر به این موضوع نگاه شده و پروانه به عنوان نماد انسان احمق به شمار می آید، چنانچه در ضرب المثل های عربی آمده است: فلان أحمق من الفراشة.

از آنجا که خود را در آتش می سوزاند او را ابله خوانده و رمز جهالت دانسته اند. در مجمع الأمثال میدانی نیز آمده است "أجهل من الفراشة لأنها تطلب النار فتلقى بنفسها فيها فتهلك"<sup>۱</sup>. (شمیسا، ص ۲۳۰)

شبی یاد دارم که چشمم نخفت  
شنیدم که پروانه با شمع گفت:  
که من عاشقم گر بسوزم رواست  
ترا گریه و سوز باری چراست؟  
(سعدی، بوستان، ص ۲۳۰)

ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز  
کان سوخته را جان شد و آواز

نیامد

<sup>۱</sup> نادان تر از پروانه (ندیدم)، چرا که او خواهان آتش است تا خودش را در آن انداخته و بسوزاند.

این مدعیان در طلبش بی خبرانند      کان را که خبر شد خبری باز

نیامد

(همان، ص ۵۰)

## فیل

تنومندی فیل سبب شده تا به عنوان مظهری از بزرگی و درشت اندامی شناخته شود. چنانکه در بسیاری از ترکیبات که با فیل ساخته شده است این ویژگی مورد نظر می باشد. یکی دیگر از مظاهر این حیوان در ادب فارسی زشتی و کثیفی است. "نه هرچه بقامت مهتر به قیمت بهتر. "الشاء نظیفه والفیل جیفه"<sup>۱</sup> (سعدی، ص ۵۹)

## جغد

جغد مطابق روایات کهن ایرانی پرنده ای باشگون است و اوستا را از بردارد. و این در حالی است که در فرهنگ اسلامی به نحوست مشهور است و دشمن زاغ. (یا حقی، ص ۲۸۹) در ادبیات فارسی هم با تأثیر از فرهنگ اسلامی مظهر شومی شمرده شده است. شریفی در فرهنگ خود جدای از شومی نماد خردمندی را هم برای این پرنده ذکر کرده است. (ص ۴۶۶)

بلبلا مژده بهار بیار      خبر بد به بوم بازگذار

(سعدی، گلستان، ص ۱۷۴)

## خر

خر یا الاغ در ادب فارسی غالباً مظهر حماقت و کودنی و بار کشی و پندناپذیری و امثال اینهاست. (شریفی، ۱۳۸۷: ۵۷۴) جدای از این در ادب عرفانی غالباً به عنوان کالبد جسمانی و تمایلات نفسانی انسان شناخته شده است. گفتنی است با تأثیر پذیری از آیه ۱۹ سوره لقمان: (در رفتار راه میانه گزین و آوازت را فرود آر، زیرا ناخوش ترین بانگ، بانگ خران است) خر مظهر بد صدایی در ادب فارسی شمرده می شود.

لحن خوش دار، چون به کوه آیی      کوه را بانگ خر چه فرمایی

(سنایی، ص ۴۲)

---

<sup>۱</sup> گوسفند تمیز است و فیل کثیف همچون مردار.

## خروس

ایرانیان باستان همراه مسلمین با نگرشی مقدس و مثبت به این پرنده نگریسته اند. (یاحقی، ص ۳۲۶) خروس در ادب فارسی مظهر سحر خیزی و خوش صدایی است. اما گاهی هم مظهر شومی، زشتی و شهرت دانسته شده است.

دانی که سپیده دم خروس سحری      هر لحظه همی چرا کند نوحه گری  
یعنی که نمودند در آینه صبح      کز عمر گذشت و تو بی خبری  
(خیام، ص ۱۵۶)

## خفاش

خفاش چون در شب پرواز کند گویند کور است و او را دشمن آفتاب خوانده اند. به همین جهت، خفاش در ادب فارسی مظهر شب پرستی و گریز از آفتاب و روشنی است. (شریفی، ص ۵۹۲)

شب پره گروصل آفتاب نخواهد      رونق بازار آفتاب نکاهد  
(سعدی، گلستان، ۱۳۸)

منم اندر ولایت خسرو      همچو خفاش بددل و شب رو  
روز از بد دلی خفاشم      که نخواهم که صیدکس باشم  
(سنایی، ص ۲۸)

## خوک

خوک در ایران باستان حیوانی مقدس محسوب می شده است. اما در فرهنگ ایران بعد اسلام، ایرانیان با تأثیر پذیری از اسلام آن را مظهر پلیدی، نجاست و حرامی دانسته اند. شایان ذکر است این حیوان در ادب عرفانی به مثابه نفس آدمی گرفته شده است.

لاجرم سخت جان و سست رگند      روی ناشسته همچو خوک و سگ اند  
(سنایی، ص ۱۳۴)

## روباه

در حکایات و داستان های بسیاری سخن از روباه به میان آمده است. تقریباً در همه جا نماد مکر و حيله و نیرنگ است و گاهی هم به عنوان مظهر درایت و سیاست شمرده شده است.

آنگاه که این حیوان در برابر شیر به کار گرفته می شود از آن به عنوان مظهر نا توانی و ضعف یاد می شود.

برو شیر درنده باش ای دغل      مینداز خود را چو روباه شل  
(سعدی، بوستان، ص ۸۸۰)

با تو او را زبهر نعمت و جاه      حمله چوشروحیله چو روباه  
(سنایی، ص ۱۸۶)

## سگ

این حیوان در ادبیات فارسی مظاهر گوناگونی را پذیرفته است. برخی با تأثیر پذیری از فرهنگ اسلامی سگ را مظهري از نا پاکی و فرومایگی معرفی کرده اند. گروهی با توجه به ویژگی های ذاتی سگ آن را مظهر وفاداری، پاسبانی و سخت جانی دانسته اند.

سگ را لقمه ای هرگز فراموش      نگردد ور زنی صد نوبتش سنگ  
(سعدی، گلستان، ص ۱۸۶)

از صفات سگ تهی کن رگ      ورنه رستخیز، خیزی سگ  
(سنایی، ص ۱۷۱)

## شتر

ویژگی های ذاتی این حیوان سبب شده تا در ادبیات فارسی از آن به عنوان مظهر لجاجت و شکیبایی یاد شود. تعبیر "فلانی کینه شتری دارد" برخاسته از نمود لجوجی این حیوان می باشد. این مسأله از آنجا ناشی می شود که اگر شتر لج کند به هیچ وجه از جای خود بلند نمی شود و حرکت نمی کند. نمود شکیبایی این حیوان هم ریشه در تاب و توان این حیوان در برابر تشنگی و صحراهای بی آب و علف دارد. بدیهی است این حیوان در نزد مردم عربستان به خاطر کاربرد زیاد محبوبیت خاصی داشته باشد.

حاجی تو نیستی شتر است از برای آنک      بیچاره خار می خورد و بار می برد  
(سعدی، گلستان، ص ۱۵۹)

شب هنگام چون بر بست محمل      شتربان شترکین شتر دل  
(به نقل از بهار، ج ۱، ص ۶۸)

## طاووس

طاووس در ادب فارسی مظهر زیبایی، خودپسندی و شهوت معرفی شده است. امام علی (ع) نیز در نهج البلاغه به زیبایی، خود پسنندی و شهوت طاووس اشاره فرموده اند:

"و از شگفت انگیز ترین پرندگان در آفرینش، طاووس است که آن را دراستوار ترین شکل موزون بیافرید و پرهایش را به نیکو ترین رنگ ها بیاراست... طاووس به رنگ های زیبای خود می نازد و خوشحال و خرامان دم زیبایش را به این سو و آن سو می چرخاند و سوی ماده می تازد چون خروس می پرد و چون حیوان نر مست شهوت، با جفت خویش می آمیزد" و در ادامه خطبه می فرمایند:

طاووس چون به خود بالنده مغرور راه میرود" (خطبه ۱۶۵)

طاووس رابه نقش ونگاری که هست                      تحسین کنند و او خجل از پای زشت خویش

(سعدی، گلستان، ص ۸۹)

## طوطی

طوطی به سبب تقلید سخن آدمیان و سخن گویی، نماد شیرین سخنی و تقلید گرایی است. در ادبیات فارسی از این پرنده به عنوان مظهر روح یاد می شود.

در پس آینه طوطی صفتم داشته اند                      آنچه استاد ازل گفت بگو می گویم

(حافظ، ص ۵۱۸)

طوطی جانش چون قفس بشکست                      رفت و بر فرق جبریل نشست

(سنایی، ص ۷۰)

## عقاب

عقاب از روزگار گذشته تا کنون به جهت تیزبینی و بلند پروازی پادشاه پرندگان به شمار آمده و در ادب فارسی مظهر قدرت، تکبر و آزادگی است.

ناصر خسرو در قصیده ای زیبا و نمادین تکبر عقاب را به تصویر کشیده و فرجام کبر و خودبینی را چیزی جز نابودی نمی بیند، ابیات آغازین این قصیده که حال انسان های متکبر را نشان می دهد در وصف عقابی قدرتمند است که به خود غرّه شده و ساکنان روی کره خاکی را زیر بال و پر خود کوچک می بیند:

روزی ز سر سنگ عقابی به هوا خاست                      واندر طلب طعمه پر و بال بیاراست

بر راستی بال نظر کرد و چنین گفت                      «امروز همه ملک جهان زیر پر ماست»



(ص ۲۳۸)

در شعر فارسی غالباً بزرگی و قدرت عقاب در برابر کوچکی و ضعف مگس آمده است، چنانچه سعدی (کلیات، ص ۷۶۰) در یکی از غزل هایش در وصف ناتوانی و درماندگی عاشق در برابر جایگاه والا و شأن رفیع عشق و معشوق به ترتیب دم از مگس و عقاب می زند:

دل من نه مرد آنست که با غمش برآید      مگسی کجا تواند که بیفکند عقابی

## کبک

کبک در ادب فارسی نماد کسانی است که با ناز و غمزه و خرامان بر روی زمین قدم می گذارند. در داستان ها گفته شده است، زاغ آرزوی راه رفتن کبک را دارد. از دیگر مواردی که در آن به کبک مثال زده می شود عبارتند از: بی آزاری، ضعف در پرواز، عدم چابکی. (شمیسا، ج ۲، ص ۹۹۴)

ای کبک خوش خرام کجایم روی بایست      غره مشو که گربه زاهد نماز کرد

(حافظ، ص ۱۸۰)

## کبوتر

کبوتر در ادبیات کلاسیک به عنوان مظهر پیام رسانی معرفی شده است اما در فرهنگ نوین با تأثیر پذیری از فرهنگ غرب و به سبب آرامی و بی آزاری نماد صلح و آشتی به شمار می رود. گویا اولین کاربرد آن در شعر ملک الشعرا بهار است.

منت از بال کبوتر نکشم ای قاصد      خود به خود نامه من شوق پریدن دارد

(همان، ص ۶۶۲)

## کرکس

کرکس در ادب فارسی جدای از زشتی و پلیدی مظهر درازی عمر هم شمرده شده است. برخی نیز آن را نماد تیزبینی معرفی کرده اند.

عمر کرکس از آن بود بسیار      که نبیند کسی از او آزار

تا از او جانور نیاز دارد      جزبه مردار سر فرو نارد

(سنایی، ص ۳۰۶)

## گاو

گاو در بین ایرانیان باستان به عنوان یک حیوان مقدس شناخته می شود چنانچه در آیین زرتشت قربانی کردن آن ممنوع بوده است. این حیوان تنومند در ادب فارسی مظاهر گوناگونی داشته است. گفتنی است اغلب این مظاهر برخاسته از ویژگی های ذاتی حیوان است. گاو در ادب فارسی مظهر پرخوری، نادانی و زورمندی شمرده شده است.

اندر افتد گاو با جوع البقر      تا به شب آنرا چرد او سربه سر  
(مولوی، ص ۴۹۴)

## گرگ

گرگ در حکایت و افسانه ها مظهر درنده خویی و ستم گری معرفی شده است. اغلب شاعران و نویسندگان درندگی این حیوان را در برابر مظلومیت میش قرار می دهند.

عاقبت گرگ زاده گرگ شود      گرچه با آدمی بزرگ شود  
(سعدی، گلستان، ص ۶۲)

آن چنان تنگ شد برایشان کار      که آدمی شد چو گرگ مردم خوار  
(سنایی، ص ۱۸۸)

## مار

مار در بین ایرانیان نقشی ناستوده دارد و یک نگرش منفی نسبت به آن حاکم است. یکی از جلوه های این حیوان در ادب فارسی خوی اهریمنی است. رد پای این نماد گزینی را می توان در داستان ضحاک مار به دوش مشاهده کرد. این مسأله ریشه در داستان ورود ابلیس به بهشت با همراهی و کمک طاووس و مار دارد. گروهی دیگر مار را نماد خشم گرفته اند و در پایان گاهی در ادب فارسی و عربی مار به خاطر مظاهر فریبنده و باطن پلید نماد نفس آدمی و سیرت روزگار دانسته اند. امام علی (ع) نیز در توصیف دنیا، آن را به مار تشبیه کرده است.

مار گر چه به خاصیت بد خوست      پاسبان درخت صنـدل اوست  
(همان، ص ۱۵۳)

## مورچه

ویژگی های جسمانی و رفتاری این حیوان سبب شده است تا در ادبیات فارسی و عربی مظاهر گوناگونی را بپذیرد. اندام و جثه ضعیف این حیوان سبب شده تا آن را مظهر ناتوانی و حقارت معرفی کنند. از دیدی دیگر به خاطر ذخیره سازی آذوقه برای زمستان آن را مظهر حرص و طمع دانسته اند. اما با توجه به همین ویژگی ذخیره سازی آذوقه آن را نماد سخت کوشی و پشتکارهم به شمار آورده اند. اگر چنانچه این حیوان در برابر بلبل به کارگرفته شود مظهر دور اندیشی و عقل شمرده می شود.

هرکه انبارنه چو مور بود      نه همانا ز عار، عور بود  
مور حرص از درون سینه مدار      ز آن که آن مور زود گردد مار  
مور باشد مدام در تک و پوی      رنج و حرص امل ز دنیا جوی  
(همان، ص ۱۹۶)

## هدهد

هدهد در ادب فارسی به سبب نزدیکی اش به حضرت سلیمان (ع) و جایگاه و نقش خبر رسانیش در داستان سلیمان و ملکه بلقیس نماد پیام رسانی است. جدای از آن همان طور که در فرهنگ شریفی بیان شده:

«در ادب عرفانی، هدهد مظهر شیخ و پیر طریقت و دلیل راه است و بارزترین نمونه این نقش در منطق الطیر مشهور است». (شریفی، ص ۱۴۸۴)

ای هدهد صبا به سبا می فرستمت      بنگر که از کجا به کجا می فرستمت  
(حافظ، ص ۱۲۵)

مژده ای دل که دگر باد صبا باز آمد      هدهد خوش خبر از طرف سبا باز آمد  
(همان، ص ۱۳۴)

## هما

در ادب فارسی با الهام از اساطیر و افسانه های ملی، هما یا همای را مظهر فرّ و شکوه و سایه آن را میمون و خجسته دانسته اند.

همای را گو مفکن سایه شرف هرگز      در آن دیار که طوطی کم از زغن باشد  
(حافظ، ص ۲۱۶)

دولت از مرغ همایون طلب و سایه او      زان که با زاغ و زغن شهپر دولت نبود  
(همان، ص ۳۸۳)

جدولی از پرکاربردترین نمادهای حیوانی در ادبیات فارسی

حیوان	نماد	حیوان	نماد
آهو	زیبایی، رمیدگی	خرگوش	زیرکی
اژدها	شرارت	خفاش	کوری
اسب	نجابت، فراست	خروس	سخرخیزی
باز	والامقامی	خوک	پلیدی
ببر	قدرت	روباه	حیله گری
بلبل	عاشقی	زاغ	سیاهی، شومی، حقارت
بوتیمار	دردمندی، اندوهناکی	زنبور	مردم آزاری، بیهوده گویی
بوقلمون	دورویی	سگ	نجاست، وفاداری
پروانه	عاشقی، جهالت	سیمرغ	پروردگار، انسان کامل
پشه	ناتوانی، ریزی	شاهین	تیزبینی، جسارت
پروانه	عاشقی	شتر	کینه جویی، شکیبایی
جغد	شومی	طوطی	شیرین سخنی، تقلید گرایی
غول	تنومندی، درشتی	عقاب	غرور، قدرت، آزادگی
فاخته	خوش آوازی، بد مهری	گوسفند	مظلومیت
فیل	تنومندی، پلیدی	مار	خوی اهریمنی، خشونت
کبک	خوش خرامی، تنبلی	ماهی	تازگی، شادابی
کبوتر	پیام رسانی، صلح و دوستی	مگس	بی ارزشی، پستی
کرکس	درازی عمر	مورچه	تلاش، ناتوانی، حرص
کژدم	بد ذاتی	نهنگ	بزرگی
گاو	پر خوری، حماقت	هدهد	پیغام رسانی
گنجشک	ناتوانی	هما	سعادت

## سخن آخر

یکی از راه های بیان اندیشه ها و احساسات افراد شیوه بیانی نمادین می باشد. نماد عینی کردن مفاهیم انتزاعی با استفاده از پدیده های طبیعی است. محققان نماد را از جنبه های گوناگونی دسته بندی کرده اند. یکی از این دسته بندی ها مربوط به جنبه جنسیتی نمادها است.

از شاخه های بسیار گسترده ی این نوع دسته بندی می توان به نمادهای حیوانی اشاره کرد. اینگونه نمادها در ادبیات فارسی نقش بسیار مؤثری را ایفا کرده است، به گونه ای که شعرا و نویسندگان بسیاری با توجه به شرایط مکانی و زمانی خاص برای اهدافی چون تحقیر، تشویق، ملموس کردن ایده و... از آنها بهره جسته اند.

در طول تاریخ، اندیشه های زرتشتی، اسلامی، غربی و... بر جریان نمادهای حیوانی در ادب فارسی سایه افکنده است. باورهای ملی و اسطوره ای به همراه رویدادهای حقیقی و ویژگی های منحصر به فرد حیوان مبانی اصلی نمادهای حیوانی می باشند.

## منابع و مأخذ

• قرآن کریم

• نهج البلاغه

۱\_ بهار، محمدتقی. (۱۳۷۱). بهار و ادب فارسی. به کوشش محمد گلبن. چاپ سوم. تهران: شرکت سهامی کتاب های جیبی.

۲\_ ثروت، منصور. (۱۳۸۵). آشنایی با مکتب های ادبی. چاپ اول. تهران: انتشارات سخن.

۳\_ حافظ، شمس الدین محمد. (۱۳۸۸). دیوان حافظ شیرازی. چاپ چهل و هشتم. تهران: انتشارات صفی علیشاه.

۴\_ خیام، عمر بن ابراهیم. (۱۳۸۵). رباعیات خیام. چاپ چهارم. تهران: انتشارات پیام محراب.

۵\_ \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۷). گلستان سعدی. تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی. چاپ هشتم. تهران: انتشارات خوارزمی.

۶\_ سعدی، شیخ مصلح بن عبدالله. (۱۳۸۷). بوستان سعدی. تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی. چاپ نهم. تهران: انتشارات خوارزمی.

۷\_ سعدی، شیخ مصلح بن عبدالله. (۱۳۷۱). دیوان غزلیات سعدی. به اهتمام دکتر خلیل خطیب رهبر. چاپ پنجم. تهران: انتشارات مهتاب.

۸\_ سنایی، ابوالمجد مجدود بن آدم. (۱۳۸۲). حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه. تصحیح مریم حسینی. چاپ اول. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

۹\_ شمیسا، سیروس. (۱۳۸۷). فرهنگ اشارات. جلد اول. چاپ نخست از ویرایش دوم. تهران، نشر میترا.

۱۰\_ \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۷). فرهنگ اشارات. جلد دوم. چاپ نخست از ویرایش دوم. تهران: نشر میترا.

۱۱\_ \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۱). بیان. چاپ نهم. تهران. انتشارات فروس.

۱۲\_ شریفی، محمد. (۱۳۹۰). فرهنگ ادبیات فارسی شریفی. چاپ چهارم. تهران، فرهنگ نشر نو، انتشارات معین.

۱۳\_ شوالیه، ژان، (۱۳۷۸). فرهنگ نمادها. جلد اول. چاپ اول. تهران: انتشارات جیحون.

۱۴\_ عنصری، حسن بن احمد. (۱۳۴۲)، دیوان عنصری. مصحح دبیرسیاقی. تهران، کتابخانه سنایی.

- ۱۵\_ قبادیانی، ناصر خسرو، (۱۳۷۹). گزیده اشعار ناصر خسرو. توضیح جعفر شعار. چاپ بیست و دوم. تهران، نشر قطره.
- ۱۶\_ مولانا، جلال الدین محمد. (۱۳۸۹). مثنوی معنوی. تصحیح نیکلسون. چاپ دهم. تهران، انتشارات دوستان.
- ۱۷\_ ناظرزاده کرمانی، فرهاد. (۱۳۶۷). نمادگرایی در ادبیات نمایشی. جلد اول. چاپ اول. تهران، انتشارات برگ.
- ۱۸\_ یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۹۱). فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی. چاپ چهارم. تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.